

ماجرای عشق و عاشقی میدون

پشت بام دولت



پوریاء عالمی

● من میدون هستم. میدون دوم، عاشق سوфіا. بابای سوфіا اما عاشق من نیست. دیروز هم که رفتم خواستگاری، بابای سوфіا نه گذاشت و نه برداشت و گفت: شما چرا دارید سیاه‌نمایی می‌کنید؟ گفتم: ببخشید من؟ من اصلاً اهل رونمایی و بدنمایی نیستم؛ چه برسد به اینکه سفیدش را نشان بدهم یا سیاهش. نه. من تکذیب می‌کنم. بابای سوфіا گفت: پسر شما دارید چهره کشور را خراب می‌کنید.

گفتم: ببخشید. با کدام کارهامان؟ بابای سوфіا گفت: با همین خودکشی کردنتان. خبرآتلاین گزارش داده «در دو هفته گذشته پنج خودکشی علنی در تهران داشته‌ایم. ابتدا مردی ۶۵ساله خود را از پل عابریاده میرداماد حلق‌آویز کرد، سپس مردی خود را از پله‌های بیمارستان میلاد به پایین پرتاب کرد، چندروز بعد خبر رسید دختری ۱۳ساله خود را از یکی از پله‌های بزرگراه نیایش به پایین پرتاب کرده، پنجشنبه هفته گذشته هم جوانی ۲۸ساله، خود را از پل عابریاده میدان رسالت به پایین پرت کرد که خوشبختانه نافرجام بود.

گفتم: مردم خودشان را می‌کشند، شما جای جان مردم، نگران چهره بین‌المللی و این حرف‌ها هستی؟ بابای سوфіا گفت: الان دولت تحت فشار است. هیچ‌کس حق ندارد هیچ‌طور دولت را تحت فشار قرار دهد. مردم به‌خاطر خودشان هم که شده باید زندگی کنند. کاری که شما می‌کنید با کاری که بقیه می‌کنند فرقی ندارد.

گفتم: ببخشید استاد شما الان حامی مردم هستی؟ مردم خودشان حامی دولتند. ولی به‌هرحال گاهی خسته می‌شوند و کم می‌آورند. گرانی است و بی‌پولی و بی‌کاری. شما می‌گویید چه‌کار کنند؟ جای اینکه بگویید کاری کنند که فشارها از روی مردم کم شود می‌گویید که مردم کم نیاورند و کوتاه بیایند؟ چقدر؟ بابای سوфіا گفت: ببین پسر. من حرفم را زدم. یادت باشد من روی وطن و ناموس و پرسپولیس حساسم. تو هم اگر فردا بروی خودکشی کنی و چهره وطن و دولت را خراب کنی یادت باشد که من دیگر بهت دختریده نیستم که نیستم.

نتیجه‌گیری

در دفاع از دولت از آن طرف پشت بام نیفتید.

شرق روزنامه

www.sharghdaily.ir

یکشنبه ۲۶ اردیبهشت ۱۳۹۵ • ۸ شعبان ۱۴۳۷ • ۱۵ می ۲۰۱۶ • سال سیزدهم • شماره ۲۵۸۳ • صفحه اذان ظهر تهران ۱۳:۰۱ • اذان مغرب ۲۰:۲۳ • اذان صبح فردا ۴:۲۰ • طلوع آفتاب ۵:۵۸

روزنامه‌فردا

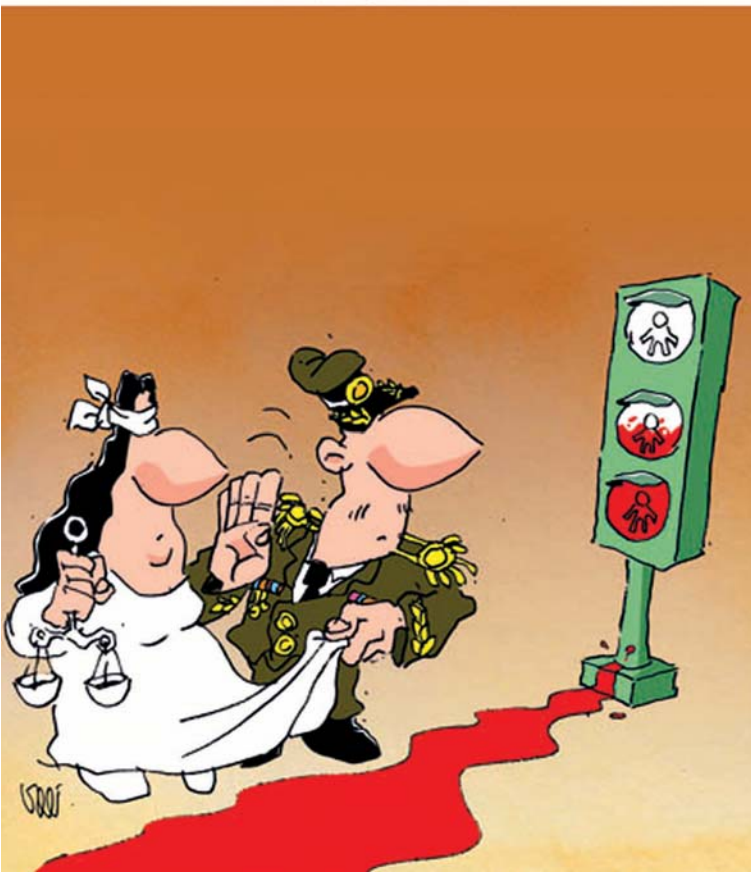
fardashargh@gmail.com

کارتون خواب

محمدرضا ثقفی



به امید جهانی بدون جنگ...



بهشتی: دلسوزی ناشیانه، ممنوع!

دست‌به‌دست می‌شود چه کرد؟

به‌تازگی در یادداشتی با عنوان «مدیریت دلواپسی» به این موضوع اشاره کردم که واکنش و حساسیت افکار عمومی به مسائل فرهنگی مثبت است اما باید مراقب بود که در حقیقت چه کسی و با چه هدفی این حساسیت را دارد مدیریت می‌کند؛ آیا واقعا خیرخواه جامعه است یا قصد سوءاستفاده سیاسی دارد، چراکه سوءاستفاده از چنین حساسیت‌هایی می‌تواند منجر به صدمه‌خوردن آن ارزش شود. دراین‌میان، گروهی دست به فریب‌دادن جامعه می‌زنند، پیازداغ ماجرا را زیاد می‌کنند تا اذهان عمومی، از موضوع اصلی منحرف شده و اعتماد جامعه نسبت به متخصصان امر یا متصدیان امور سلب شود.

وظیفه نظام‌بخشی به این حساسیت‌ها با چه گروهی است؟

می‌دانید، وقتی که ماجرای پزشک خمینی‌شهری اتفاق افتاد، حساسیت‌هایی در جامعه به وجود آمد اما گروهی از این حساسیت‌ها برای بی‌اعتمادکردن مردم نسبت به جامعه پزشکی کشور و وزارت بهداشت استفاده کردند. خب، سؤال اینجاست که هدف به‌وجودآوردن چنین حساسیت‌هایی مگر افزایش میزان سلامت در جامعه نیست؟ با بی‌اعتمادکردن مردم به وزارت بهداشت و جامعه پزشکی چطور می‌توان شاهد افزایش سلامت در جامعه بود؟ اتفاقات اخیر عمارت مسعودیه هم یک مثال دیگر است؛ برخی از رسانه‌ها که در این مسئله متخصص نبودند نه‌تنها به نقش خود که اطلاع‌رسانی است اکتفا نکردند بلکه خودشان را در مقام کارشناس و مدیر قرار دادند و یک موضوع علمی و

شرق: فروش کاشی‌های دزدیده‌شده از کاخ نیاوران، بازتاب گسترده‌ای در شبکه‌های اجتماعی داشته؛ با وجود تکذیب این ادعا از سوی کارشناسان، از سیدمحمد بهشتی، رئیس پژوهشگاه میراث فرهنگی، پرسیده‌ایم که آیا حساس‌شدن مردم نسبت به اخبار فرهنگی جامعه خوب است و اگر خوب است، این حساسیت را چطور می‌شود مدیریت کرد.

انتشار گسترده خبر سرقت و فروش کاشی‌های تاریخی در تهران و بعضی از شهرهای کشور را چطور ارزیابی می‌کنید؟

اینکه قطعاتی از بناهای تاریخی توسط برخی دزدیده شود، موضوع تازه‌ای نیست اما اینکه جامعه ما دارد آرام‌آرام نسبت به این اخبار حساسیت پیدا می‌کند، موضوع جدید و به نظر من، مثبتی است. نگاهی به آثار تاریخی ایرانیان در موزه‌های مختلف دنیا، نشان می‌دهد که تا پیش از این، حساسیتی در زمینه سرقت برخی از آثار تاریخی وجود نداشته اما اکنون، جامعه کم‌کم دارد نسبت به این مسائل حساسیت نشان می‌دهد و چنین اتفاقی خوشایند است. در مثل می‌توان گفت که دزدها در دستبرد به خانه‌ها از پول و جواهرات خانه نمی‌گذرند اما اگر روزی به ما خبر بدهند که یک دزد، تابلوهای نقاشی یک خانه را به سرقت برده، این خبر تلخ یک سویه خوب نیز دارد و آن این است که حتی دزدهای ما هم در حال فرهنگی‌شدن هستند.

باین‌حساب باید در برابر این همه خبر عجیب‌وغریب که در شبکه‌های اجتماعی

همین حوالی

از عجایب نمایشگاه کتاب

در ورودی نمایشگاه کتاب، عده‌ای ایستاده‌اند با دسته‌های کاغذ. می‌گویند نقشه نمایشگاه است اما وقتی برش می‌گردانی، تبلیغی از یک شرکت یا نهاد در پشت نقشه دیده می‌شود. باز خدا خیرشان بدهد که نقشه‌ای کامل از نمایشگاه تازه‌تأسیس شده در شهر آفتاب را به میهمانان پلاک‌کلیف آن ارائه می‌کنند. در وسط این کاغذها که یکی، دو تا هم نیست، بروشوری هم دیده می‌شود منقش به تصویر عباس جدیدی، کشتی‌گیر سابق و عضو شورای شهر فعلی. اهالی خیابان پیروزی، عباس آقا را خوب می‌شناسند

کتاب‌هایش در بروشور یک انجمن نیکوکاری و امور خیریه تبلیغ می‌شوند. در این تبلیغ آمده که عواید حاصل از فروش این دو کتاب برای این خیریه صرف می‌شود اما آنهایی که در غرفه نماز نمایشگاه کتاب، کتاب مورد نظر را تهیه کرده‌اند می‌گویند که خرید هر دو کتاب رایگان بوده و فقط کافیسیت با آن یک سلفی بگیرند! با این حساب، عواید صفرتومانی این کتاب به خیریه خواهد رسید. آن هم با نام و تصویر عباس جدیدی که اگرچه روزگاری ورزشکاری بنام بود، ولی حالا فقط یک عضو شورای شهر است و بس.

CS35

لمس کیفیت

قیمت قطعی / تخفیف ویژه

مجهز به سیستم پیشرفته ترمز ABS / EBD
دارای چهار ایربگ (جلو و جانبی)
گیربکس اتوماتیک
کروزکنترل
صندلی‌های چرم
فرمان برقی
سانروف برقی
سنسور هشدار دهنده موانع عقب



www.saipagroup.ir

جهت ثبت نام و کسب اطلاعات بیشتر به شبکه گسترده نمایندگی های مجاز گروه خودروسازی سایپا در سراسر کشور مراجعه نمایید. توجه: واریز به حساب بانکی غیر از حساب سایپا خرید تلقی نمی گردد و شرکت هیچ گونه مسئولیتی در قبال تحویل خودرو ندارد.